**عنوان پژوهش:**

کاربرد ادبیات عرب در فهم آیه اکمال

**استاد راهنما:**

حجه الاسلام والمسلمین موسوی(زید عزه)

**نام پژوهشگر:**

محمد مهدی فیض­آبادی

**مدرسه علمیه علوی قم**

**سال تحصیلی98-99**

**پایه سوم**

بسم اللّه الرحمن الرحیم

سپاس و تقدیر **:**

**شکر خدایی را که از روی رحمت، مهربانانی چون فرشته و نور افکنانی چون شمع بر بالین طفلی صغیر قرار داد تا مربی و پرورش دهند ه او و خوبی هایش باشند .**

**وسپاس بی نهایت از تمامی استادانی که در انجام این پژوهش مرا یاری ساختن.**

تقدیم و إهداء **:**

**به ساحت قدسی امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

**که انشا الله خداوند در فرجش تعجیل فرماید وما را از یاران آن حضرت قرار دهد**

چکیده **:**

**از جمله آیاتی که برای اعلان ولایت امام علی (ع) ذکر شده آیه 3 سوره مایده یعنی آیه اکمال است که از سه جمله اصلی فارغ از جملات دیگر که هیچ گونه ارتباط معنایی و چه نقلی ندارند تشکیل شده .**

**با به کار گیری و استفاده ادبیات از راه های مختلف میتوان متوجه این ارتباط و مفهوم آیه شد،درست است که اقوال تاثیر به سزایی دارند لکن ما بدون استفاده از اقوال خواهان شناخت واژگان و ارتباط معنایی بین آنها هستیم ؛در نتیجه در این پژوهش با استفاده علومی همچون صرف و نحو بلاغت به بررسی واژگان آیه پرداختیم .**

**کلید واژه: اکمال ، اتمام ،دین ، نعمت، ارتباط**

فهرست :

Contents

[سپاس و تقدیر 2](#_Toc36245674)

[تقدیم و إهداء 2](#_Toc36245675)

[چکیده 2](#_Toc36245676)

[مقدمه 4](#_Toc36245677)

[فصل اول: تحلیل صرفیولغوی 5](#_Toc36245678)

[1. اسامی معرب 5](#_Toc36245679)

[2. اسامی مبنی 5](#_Toc36245680)

[3. افعال 6](#_Toc36245681)

[4. حروف 6](#_Toc36245682)

[فصل دوم: تحلیل نحوی 7](#_Toc36245683)

[فصل سوم: تحلیل بلاغی وتفسیری 9](#_Toc36245684)

[معانی 10](#_Toc36245685)

[نتیجه : 12](#_Toc36245686)

[منابع و مأخذ 13](#_Toc36245687)

مقدمه **:**

**یکی از منابع معتبر که مسلمانان به ویژه شیعیان و اهل سنت برای اثبات امامت به آن استناد می­کنند قرآن است واضح است که فهم قرآن و بیرون کشیدن نکات آن، جز از راه به کارگیری علم نحو،صرف و بلاغت ممکن نیست از این روبررسی آیات اهمیت بسزایی دارد و نیازمند همت و تلاشی استوار است.**

**ادبیات عرب هر چند علوم پایه و ابتدایی آن مثل صرف و نحو می تواند به اندازه ای هر چند اندک به ارتباط و فهم آیه کمک کند که بعد از یاد گیری آن دومین قدم به کار گیری آنها است که مهم ترین و پر اهمیت ترین قدم هم همین است، بنده هم از عنوان کردن این مقاله و به کار گیریِ علومی که تا حال آموخته ام هدفی جز کاربردی کردن این علوم در آیات قرآن ندارم. حال سوالی که در این پژوهش مطرح میشود این است که ادبیات عرب چه اندازه در فهم وپی بردن به ارتباط معنایی آیه اکمال با کل آیه و ارتباط معنایی بین واژگان آن خواهد داشت؟**

**این تحقیق به شیوه ی اجمالی و برای تفصیل بسی محل کار و تلاش دارد واز روی مجمل بودن آن عیب از بنده ی حقیر می باشد .**

**«الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» سوره ماعده3**

# فصل اول: تحلیل صرفی­و­لغوی

## 1. اسامی معرب

**- الیوم**

جامد – معرب – معرفه – منصرف –مذکر –مفرد - سالم

**- دینکُم**

جامد – معرب – معرفه به اضافه –منصرف – مذکر – مفرد - سالم

**- نعمتی**

جامد – معرب – معرفه به اضافه – منصرف – متصرف -مونث – مفرد -سالم

**-الاسلامَ**

مشتق (افعال)- معرب – معرفه ال – منصرف – مذکر – مفرد

**- دیناً**

جامد – معرب – نکره – منصرف – مذکر – مفرد

(حسن بن محمدراغب اصفهانی. ترجمه مفردات الالفاظ القرآن .ترجمه: مصطفی رحیمی نیا.ناشر: نشرسبحان۱۳۸۵)

(قرشی بنابی،علی اکبر،قاموس القرآن، دار الکتب الإسلامیه، نوبت6، 1371ه.ق ، ایران-تهران)

## 2. اسامی مبنی

* **الَّذِینَ**

اسم - موصول – مبنی بر فتح –معرفه – جامد – مذکر – غیر متصرف –جمع

* **ضمیر(هُم)**

اسم – مبنی بر سکون – معرفه – جامد – ضمیر منفصل غايب مرفوعی – مذکر – غیر متصرف - جمع

* **ضمیر (تُ)**

اسم - معرفه – جامد – ضمیر بارز متکلم وحده - مفرد

* **ضمیر (کُم)**

اسم – معرفه – جامد - ضمیر متصل منصوبی – جمع

* **ضمیر (ی)**

اسم – معرفه – جامد – ضمیر متصل منصوبی – مفرد

(جمال الدین ابن هشام الانصاری.مغنی الادیب.حوزه علمیه قم. نوبت6. 1440 ه ق .ایران.قم)

(نویسنده: عبدالرحمن ابن أبی بکرسیوطی .البهجة المرضیه فی شرح الالفیه فی اسلوبها الجدید.. ناشر: قم، حوزه علمیه قم، مرکزمدیریت۱۳۹۷. چاپ دوم.)

## 3. افعال

* **يَئِسَ**

ماضی – مفرد مذکر غایب – معتل مثال یایی – مهموز العین – ثلاثی مجرد –متعدی – معلوم - مبنی

* **کَفَرُوا**

ماضی – جمع مذکر غایب – ثلاثی – مجرد –صحیح – سالم – متعدی –معلوم-مبنی

* **تَخشَوهم**

مضارع – جمع مذکر مخاطب –ثلاثی –مجرد –معتل ناقص واوی – لازم – معلوم – معرب

* **اخشَونِ**

امر – جمع مذکر مخاطب – ثلاثی – مجرد – معتل ناقص واوی –معلوم – مبنی

**نکته: ضمیر متصل (ی)حذف شده و نون نون وقایع میباشد**

* **أکمَلتُ**

ماضی –متکلم وحده –صحیح – سالم –ثلاثی مزید باب افعال – متعدی – معلوم - مبنی

* **أتمَمتُ**

ماضی – متکلم وحده – صحیح – مضاعف – ثلاثی مزید – باب افعال –متعدی - معلوم - مبنی

* **رضیتُ**

ماضی – متکلم وحده – معتل ناقص یایی – ثلاثی مجرد – متعدی – معلوم –مبنی

(حسن بن محمدراغب اصفهانی. ترجمه مفردات الالفاظ القرآن .ترجمه: مصطفی رحیمی نیا.ناشر: نشرسبحان۱۳۸۵)

(قرشی بنابی،علی اکبر،قاموس القرآن، دار الکتب الإسلامیه، نوبت6، 1371ه.ق ، ایران-تهران)

## 4. حروف

* **الف ولام (ال)**

ال در اینجا ال تعریف و عهد است که بر اسم نکره وارد و آن را از ابهام خارج میکند به بیان دیگرال عهد مفید تعریف حقیقی است یعنی باعث تعریف لفظ و معنای اسم مابعد خود میباشد.

* **مِن**

من در اینجا از حروف جاره میباشد که فقط بر سر اسم وارد و باعث مجرور شدن مابعد می شود.

* **فاء**

حرف فاء معانی متفاوتی دارد از جمله : سببیه . جواب شرط . عاطفه . تعلیل . زاعده . فصیحه . استینافیه

که در این جا معنای فصیحه بودن برداشت میشود.

* **لا**

لا معانی متفاوتی دارد از جمله: ناهیه . عاطفه . نافیه . لا مشبه بالیس . لا نفی الجنس . حرف جواب . زاید

که در اینجا معنای ناهیه بودن برداشت میشود.

* **واو**

واو معانی متفاوتی دارد از جمله: حالیه . عاطفه . قسم

که در اینجا معنای عاطفه بودن برداشت میشود.

* **لام**

حرف لام اقسام متفاتی دارد از جمله: تعلیل . جاره . امر . ابتداعیت .مزحلقه . تقویه . الفارقه . جواب . موطعة للقسم .استغاثه

که در اینجا از قسم جر بودن برداشت میشود.

* **علی**

علی که از حروف جاره است اغلب مکانی می باشد.

 (جمال الدین ابن هشام الانصاری.مغنی الادیب.حوزه علمیه قم. نوبت6. 1440 ه ق .ایران.قم)

(البهجة المرضیه فی شرح الالفیه فی اسلوبها الجدید. نویسنده: عبدالرحمن ابن أبی بکرسیوطی. ناشر: قم، حوزه علمیه قم، مرکزمدیریت۱۳۹۷. چاپ دوم.)

# فصل دوم: تحلیل نحوی

**واژه های مانند«الیوم» و «اکمال دین » و« اتمام نعمت» در فهم این قسم از آیه نقش مهمی دارد برای مثال واژه الیوم که با ال عهد همراه شده را می توان دو معنا کلی تقسیم کرد :**

الف. قطعه خاصی از زمان را شامل میشود که استمال رایجی دارد و در فارسی به معنای (امروز) است.

ب.محدوده ی زمانی گسترده ای را در بر دارد و اشاره به روز یا زمان خاصی ندارد که در فارسی به معنای (امروزه) به کار میرود.

به بیان دیگر کاربرد و معنای اولیه وازه «الیوم»همان معنای اول (الف) است و کاربرد معنای ثانویه نیاز به قرینه دارد که مشخص شود متکلم چه زمانی از محدوده زمان را قصد کرده است.

 (جوهری . اسماعیل بن حماد. الصحاح . بیروت . دارالعلم للملایین. چ اول .1376 ق .ج5)

(عسکری. حسن ابن عبدالله.الفروق فی اللغة. بیروت . دارالافاق الجدید. چ اول .1400ق . ج1)

(ابن فارس. احمد بن فارس بن زکریا . معجم المقاییس اللغه. تحقیق عبد السلام محمد هارون . مصر . مکتبةو مطعبة مصطفی البابی الحلبی.چ دوم .1419 ق .ج2)

(مکارم شیرازی.ناصر .آیات ولایت در قران . قم .انتشارات نسل جوان .چ اول . 1381 ش )

حال ابتدا به ترکیب کلی آیه پرداخته و سپس به بررسی دگر واژه ها و نکات می پردازیم.

* **ترکیب آیه**

(الْيَوْمَ) ظرف زمان متعلق بالفعل يئس میباشد

(يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ) اسم الموصول و فاعل است والجملة بعدش صلة ی الموصول وهر دو الجار والمجرور متعلق به كفروا است

جملة (يَئِسَ) مستأنفة بوده و (فَلا تَخْشَوْهُمْ) فعل مضارع مجزوم بحذف نون وفاعلش واو است والهاء «هم»مفعولش والجملة «لا محل لهااعراب» وجواب شرط غير جازم میباشد به دلیل اینکه بعد فاء الفصيحة قرار گرفته است.
(وَاخْشَوْنِ) فعل أمر مبني بر حذف النون والواو فاعل والنون وقاية میباشد والمفعول به محذوف است که در اصل: «واخشوني » بوده والجملة معطوف برما قبلش است.

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) اليوم ظرف الزمان و متعلق به فعل بعدش و لكم همچنین متعلق به همان فعل یعنی أَكْمَلْتُ می باشد والتاء فاعل ودينكم مفعول به است وجمله جمله ی مستأنفة می باشد.
(وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي) جمله معطوف (وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دِيناً) است وجمله معطوف دينا، حال یا مفعول به دوم است زمانیکه« إذا كانت رضيت» بمعنى جعلت باشد.

(درویش محی الدین .اعراب القرآن . دار الیمامة دار ابن کثیر دار الارشاد. بیروت 1994م.1415)

* **تفاوت اکملتُ و اتممتُ**

این دو واژه از نظر معنا بسیار به هم نزدیک هستن و به صورت ظاهری شاید به نظر رسد که تفاوت معنایی خاصی نداشته باشند اما این گونه نیست لکن اگر بخواهیم تفاوت این دو واژه را به بیان ساده بیان کنیم به این معناست که:

اکمال به معنای اینکه کمال هر چیزی، تحقق یافت و رسیدن به هدف آن است و اتمام (تام) به معنای آن است که یه فرد یا یک چیزی به حدی برسد که دیگر نیازی چیزی خارج از خود نداشته باشد؛ که در مقابل آن ناقص قرار میگرد.

به بیان واضح تر اکمال برای مواردی استفاده میشود که شامل اجزا و عضو های قابل انفکاک بوده و هر جز آن به صورت مستقل قابلیت ارزش گذاری باشد بر خلاف اتمام که اجزا و عضو های آن قابل انفکاک نیست و ارزش گذاری آن وابسته به اجتماع آنان است و به عنوان مثال برای رسیدن به کمال و پاداش روزه یک روزه قران این گونه تعبیر کرده « وأتمّوا الصّیام إلی اللّیل(بقره196)» یعنی اتمام روزه به پرهیز از صبح تا شب است ولی برای اکمال قرار گرفتن تمام شرایط کنار یک دیگر نیاز نیست بلکه هر قسم اثر خود را ایفامیکند حال اگر همه این اجزا و اقسام کنار یک دیگر قرار گیرند چه بسا نتیجه ی مطلوب حاصل می شود مثل کامل شدن تعداد روز هایی که باید به عنوان کفاره یا فریضه رمضان روزه گرفته شود « إذا رجعتم تلک عشرة کاملة(بقره185)»

و اما برای آگاهی بیشتر؛ فرق بین اکمال ، تکمیل و اتمام ،تتمیم همان فرقی است که بین دو باب افعال وتفعیل وجود دارد؛ باب افعال در اصل دلالت بر دفعه یکباره و باب تفعیل دلالت بر تدریج دارد.

پس با این تفاسیر این گونه برداشت میشود که این متکلم در صدد توصیف روز خاصی است که اجزا و اعضای دین الهی در آن روز کامل شده و نعمت های الهی به اتمام و تمامیت رسیده است.

(اسدی. محمد . ولایت وامامت.پژوهشی از منظر قرآن. قم پژوهشگاهحوزه و دانشگاه . 1392 )

سوالی که در این قسم مطرح میشود در مورد ماضی بودن افعال در این جمله میباشد که در جواب باید گفت که دلایل گوناگون و زیادی دارد که مفصل آن در غلم بلاغت و کتب تفسیری بیان شده ولی دلیل اصلی آن که می توان به آن اشاره کرد حتمی الوقوع بودن آن است.

* **رابطه دو جمله باهم**

با وجود این که دو جمله موجود در آیه،جمله ی معترضه هستند اما از ارتباط معنای آن دو یعنی جمله «الیَومَ يَئِسَ...» و «الیَومَ أکملتُ...» در میابیم که میان آن دو رابطه ای مستقیم وجود دارداین گفته از آنجا برداشت میشود که ناامید شدن کافران از دین مسلمانان با اکمال دین و اتمام دین رابطه ای نزدیک داشته و هر دو سیاق و مفهوم واحدی دارند؛تکرار واژه الیوم نیزاشاره به اشتراک دو جمله دارد از این رو که وجود ال بر اثبات این گفته می افزاید.

 (محمدحسین طباطبايى، الميزان في تفسير القرآن‏، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات‏، نوبت چاپ2، 1390ه. ق‏، لبنان- بيروت)‏

* **رابطه دو جمله با مابعد وماقبل**

همان طور که دانشمندان شیعه و بسیاری از بزرگان اهل سنت اتفاق نظر دارند؛ این دو جمله با سایر جملات موجود در آیه که مربوط به احکام خوردنی هاست ارتباطی ندارد و هر کدام مقصود جداگانه ای دارند شاهد این گفته آن است که اگر ما دو جمله را از آیه حذف کنیم جمله کاملی که همان احکام خوردنی هاست حاصل شده ،بدون آن که نقصی رخ دهد یا نیازی به این دو آیه پیش آید.

پس درنتیجه دو جمله ی معهود ما کاملا مستقل است و هیچ گونه ارتباطی با احکام موجود ندارد؛علاوه بر این روایات بسیاری که در شأن نزول این آیه وارد شده است تنها در مقام بیان سبب نزول این دو جمله بوده و نامی از اصل آیه نیامده است.

(نجار زادگان . فتح الله . بررسی تطبیقی آیات ولایت اهل بیت در دید گاه فریقین . قم/تهران. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه / سمت . 1388)

# فصل سوم: تحلیل بلاغی وتفسیری

# معانی

معناو مغهوم اولیه علم معانی عبارت است ازاصول و قواعدی که به واسطه ی آن احوال مختلف کلام مطابق با مقتضای حال خطاب می آید.

موضوع علم معانی الفاظ عربی از آن جهت که بیانگر معنای ثانویه هستند، میباشد؛ از جمله فواید علم معانی عبارت است از:

. شناخت اعجاز قرآن کریم

. فهم لطاعف و ظرافت های معانی قرآن کریم

. فهم لطاعف و ظرافت های معانی روایات رسول اکرم و اعمه (ع)

. و...

(احمد الهاشمی .جواهر البلاغه . حوزه علمیه قم .1943 ق تالیف 1397)

* **بررسی إخبار آیه**

خبر عبارت است از کلامی که ذاتا احتمال صدق یا کذب وجود داشته باشد؛که شامل دو غرض اصلی

الف. متکلم ، مخاطب را نسبت به خبری آگاه کند

ب. متکلم ، مخاطب را نسبت به علم خود به خبری آگاه کند

و اغراض فرعی مانند

. استرحام .اظهار حسرت .توبیخ . تحریک کردن . تذکر دادن و... میباشد؛

 که در این جا غرضی که مد نظر هست همان غرض اصلی فاعده الخبر (الف)یا حتی غرض اصلی (ب) با قراینی نیز میتواند باشد.والبته با وجود اسمیه بودن جمله و همئچنین تقدیم فاعل معنوی در جمله که از نشانه ها تاکید غیر حرفی جمله هستند میتوان دریافت که جمله حالت تاکید داشته و میخواهد افرادی که مردد و حتی منکر اخبار آیه هستند را متوجه سازد و مطابق با حال آن ها پیام را انتقال دهد (این نوع خبر رسانی را در حالت اول طلبی و در حالت دوم انکاری مینامند)

 (احمد الهاشمی .جواهر البلاغه . حوزه علمیه قم .1943 ق تالیف 1397)

* **بررسی و مراد از الیوم**

در باره مراد از الیوم در آیه بین مفسران اختلافاتی موجود است بسیاری ذکر کرده اند که منظور از این روز مشخص ، روز عرفه در حجةالوداع است که با این اوصاف می تواند معانی متفاوتی داشته باشد برای مثال بار دیگر مشرکین قریش از غلبه بر مسلمانان مأیوس شده اند در صورتی که مشرکین دو سال قبل یعنی هشتم هجرت در فتح مکه مأیوس شده بودند و یا این که در روز نزول براعت مأیوس شده اند در صورتی که نزول سوره براعت در سال نهم هجرت بوده و یا اصلا منظور از مأیوس شدگان همه ی کفار از دین مسلمانان مثل یهود و نصارا و غیره باشد در صورتی که تا آن زمان شکوه اسلام از جزیرة العرب خارج نشده بود, حتی نقل شده که در آن سفر به دلیل حضور شخص پیامبر در مراسمات حج به دلیل این که تمام احکام به دست خود پیامبر رقم خوره و دیگر جای هیچ حکم دیگر باقی نمی ماند پس منظور از کمال همین است که این فرضیه هم با وجود پاسخ ها ودلایل مختلف رد شده که در پاسخ این قول گفته شده چطور ممکن است تعلیم یکی از واجبات دیرا اکمال دانست با این که اکمال خود آن واجب واجب هم نیست چه رسد به مجموع دین.

احتمال دوم در رابطه با الیوم روز نزول سوره ماعده است زیرا با وجود کامل کردن احکامی که در این سوره وجود دارد این روز برایتان کامل گشته و نا امیدی در دل کفار مسلط شده که باید در پاسخ این احتمال گفت که باید دید منظور از جمله الذین کفروا چیست؟

البته همان طور که گفته شداحتمالات گوناگونی ذکر شده که ما به همین دو مورد اکتفا میکنیم.

(محمدحسین طباطبايى، الميزان في تفسير القرآن‏، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات‏، نوبت چاپ2، 1390ه. ق‏، لبنان- بيروت)‏

(آلوسى، محمود بن عبدالله، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني، ‏گرد آورنده شمس‏الدين، ابراهيم‏، شمس‏الدين، سناء بزيع، ‏دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون‏، تعداد جلد16 )

(مکارم شیرازی . تفسیر نمونه .دار الکتب الاسلامیه . تهران /ایران . 1380)

* **بررسی (فلا تخشوهم و اخشون)**

نهی در این قسمت از آیه به صورت ارشادی است نه مولوی و معنایش این است که دیگر جایی برای ترسیدن شما باقی نمانده زیرا با نا امیدی کفار دگر خطری شما را تهدید نمی کند و همچنین هنگامی که انسان از چیزی مایوس شود می داند که تعقیب کردن آن بی فایده به همین جهت از امروز شما مسلمانان از جهت کفار ایمن خواهید بودو تنها از من بترسید.

همچنین این جمله در مقام تهدید است نه در مقام منتگذاری زیرا میخواهد بیان کند این منم که دین مردمی را به خاطر گناهانی که مرتکب میشوند از آنها میگیرم و موید گفتار ما این است که ترس از خدا در هر حالتی واجب است ، و اختصاص به شرطی خاص ندارد پس مشخص میشود که منظور از جمله (واخشون) ترس خاص است نه ترس عمومی که در هر حالتی واجب است؛پس آن چیزی که خداوند مسلمانان را امر کرده که در مورد آن چیز از او بترسند، همان چیزی است که نهیشان کرده از اینکه درباره آن از کفار بترسند، و آن چیز عبارت است ازخاموش شدن نور دین م مسلوب شدن این نعمت و موهبت، به دست کفار.

(محمدحسین طباطبايى، الميزان في تفسير القرآن‏، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات‏، نوبت چاپ2، 1390ه. ق‏، لبنان- بيروت)‏

(آلوسى، محمود بن عبدالله، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني، ‏گرد آورنده شمس‏الدين، ابراهيم‏، شمس‏الدين، سناء بزيع، ‏دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون‏، تعداد جلد16 )

(مکارم شیرازی . تفسیر نمونه .دار الکتب الاسلامیه . تهران /ایران . 1380)

* **مراد از دین و نعمت**

مراد از دین در آیه مجموعه معارف و احکام تشریع شده است و چیزی که مراد است چیزیست که امروز به آن اضافه شده استو مراد از نعمت هر چی که باشد امر معنوی است ، و اثری که باید ،نداشته است که امروز آن نعمت ناقص تمام شده پس در نتیجه (الیوم)آن معارف و احکام اثری که باید داشته باشند دارا هستند.

به طور کلی آنچه که انسان باتصرف در آن راه خدا را طی کند نعمت به شمار می آید و به بیان دیگرچیز هایی که باغرض الهی موافق باشند یعنی غرضی که خداوند به آن جهت این موجودات را خلق کرده محقق شود نعمت نامیده می شود.

پس دین اسلام از جهت شامل شدن ولایت خدا و رسول و اولیاءامر،نعمت محسوب می شود؛ یعنی سر پرستی خداوند نسبت به امور بندگان و تربیت آنان به وسیله دین تمام نمی شود مگر به ولایت رسولش ، و ولایت رسولش نیز به پایان نمی رسد مگر به ولایت اولی الامرکه بعد از در گذشت آن بزگوار به وسیله ی آن ادامه میابد.

(محمدحسین طباطبايى، الميزان في تفسير القرآن‏، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات‏، نوبت چاپ2، 1390ه. ق‏، لبنان- بيروت)‏

(آلوسى، محمود بن عبدالله، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني، ‏گرد آورنده شمس‏الدين، ابراهيم‏، شمس‏الدين، سناء بزيع، ‏دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون‏، تعداد جلد16 )

(مکارم شیرازی . تفسیر نمونه .دار الکتب الاسلامیه . تهران /ایران . 1380)

# نتیجه :

با توجه به علم نحو و کاربرد آن و همچنین نقل قول هایی که اندکی از آن ذکر شد متوجه شدیم که هر چه دانش ما نسبت به این علوم بیشتر شود برداشت و استفاده ی ما از این دریا ی بی کران علم یعنی قرآن هم به مراتب بیشتر خواهد بود و پی بردیم چگونه با به کار گیری گام به گام علوم پایه و بررسی دقیق و مقایسه ی جایگاه آنها می توان به مفم خود و برداشت خود از ایات مختلف کمک کرد.

# منابع و مأخذ

قرآن کریم

(ابن عاشور،محمد طاها، تفسير التحرير و التنوير المعروف بتفسير ابن عاشور، مؤسسة التاريخ العربي، نوبت 1، 1420 ه. ق، لبنان- بيروت)

(آلوسى، محمود بن عبدالله، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني، ‏گرد آورنده شمس‏الدين، ابراهيم‏، شمس‏الدين، سناء بزيع، ‏دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون‏، تعداد جلد16 )

(احمد الهاشمی .جواهر البلاغه . حوزه علمیه قم .1943 ق تالیف 1397)

(البهجة المرضیه فی شرح الالفیه فی اسلوبها الجدید. نویسنده: عبدالرحمن ابن أبی بکرسیوطی. ناشر: قم، حوزه علمیه قم، مرکزمدیریت۱۳۹۷. چاپ دوم.)

(ابن فارس. احمد بن فارس بن زکریا . معجم المقاییس اللغه. تحقیق عبد السلام محمد هارون . مصر . مکتبةو مطعبة مصطفی البابی الحلبی.چ دوم .1419 ق .ج2)

(ترجمه مفردات الالفاظ القرآن. نویسنده: حسن بن محمدراغب اصفهانی. ترجمه: مصطفی رحیمی نیا.ناشر: نشرسبحان۱۳۸۵)

 (حسن بن محمدراغب اصفهانی، ترجمه مفردات الالفاظ القرآن، ترجمه:مصطفی رحیمی نیا، نشرسبحان، ۱۳۸۵ )

( جمال الدین ابن هشام الانصاری.مغنی الادیب.حوزه علمیه قم. نوبت6. 1440 ه ق .ایران.قم) (درویش محی الدین .اعراب القرآن . دار الیمامة دار ابن کثیر دار الارشاد. بیروت 1994م.1415)

 (طبرسى، فضل بن حسن‏. مجمع البيان في تفسير القرآن‏، مصحح: يزدى طباطبايى، فضل‏الله‏، رسولى، هاشم،‏ ناصر خسرو ،1372 ه. ش‏ ،ايران- تهران)‏

(محمدحسین طباطبايى، الميزان في تفسير القرآن‏، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات‏، نوبت چاپ2، 1390ه. ق‏، لبنان- بيروت)‏

(مدرس افغانی ، محمد علی، مکررات مدرس ، انتشارات ذوی القربی ،قم/1394ه.ش)

(جوهری . اسماعیل بن حماد. الصحاح . بیروت . دارالعلم للملایین. چ اول .1376 ق .ج5)

(عسکری. حسن ابن عبدالله.الفروق فی اللغة. بیروت . دارالافاق الجدید. چ اول .1400ق . ج1)

 (مکارم شیرازی.ناصر .آیات ولایت در قران . قم .انتشارات نسل جوان .چ اول . 1381 ش )

 (مکارم شیرازی . تفسیر نمونه .دار الکتب الاسلامیه . تهران /ایران . 1380تعداد 24)

(نجار زادگان . فتح الله . بررسی تطبیقی آیات ولایت اهل بیت در دید گاه فریقین . قم/تهران. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه / سمت . 1388)